



معیارها و الزامات نظام مدرسه مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات مدرسه محور

محسن رسول فام^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تبریز

Rasulf@gmail.com

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و معیارها و الزامات نظام مدرسه مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات مدرسه محور ۱۳۹۹ می- باشد. برای این منظور نظام مدرسه مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات مدرسه محور بر اساس چارچوب استفاده شده توسط پیری و بهروزی تبار (۱۳۹۴) در نه بعد (توان علمی معلمان، مشارکت مدیران، معلمان، اولیای دانش‌آموزان و حتی خود دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدرسه، تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌های آموزشی، استقلال و اختیار دادن به مدارس، داشتن مشاور متخصص در امر مدرسه مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات، وجود مشکلات و صرف وقت زیاد از سوی مجریان و معلمان، دسترسی مدارس به منابع مالی و انسانی، اعتماد حرفه ای به برنامه‌ریزی درسی مجازی مدرسه محور، و وجود مدیران سطوح بالاتر نظام آموزشی برای تفویض اختیارات وجود دارد.

کلید واژه: معیارها و الزامات، نظام مدرسه، فن آوری اطلاعات و ارتباطات، مدرسه محور

۱- مقدمه

به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری پیرامون نیروی انسانی مدرسه و بودجه عمدتاً از طریق نیازهای برنامه درسی ناحیه تعیین می‌شود (مورفی و بک، ۱۳۸۲) خود مختاری در مدرسه در حوزه برنامه درسی به این معنی است که «هیئت مدیره و اداره مرکزی طرح کلی هدف های تربیتی را تعیین می‌کنند و مدارس را آزاد می‌گذارند تا به هر شیوه ای که مناسب می‌بینند آن هدف‌ها را برآورده کنند» (مهرمحمدی، ۱۳۹۱، ۴).

آزادی در مورد تعیین مقصد و هدف‌های موسسه، یکی از حوزه های نظارت محلی مدارس خود گردان می‌تواند باشد و اغلب هدف ها مشخص هستند و آنچه که واگذاری اختیارات به سطح مدرسه را توجیه می‌کند انتخاب راه های مختلف رسیدن به هدف ها می‌باشند» (مهرمحمدی، ۱۳۹۱، ۴).

هدف کمک به مدارس است تا فلسفه هدایت کننده خودشان را تدوین کنند. مدرسه مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات مدرسه محور بر گروه‌های محلی اجازه می‌دهد که آن دسته از مواد آموزشی که قرار است ارائه شوند را مشخص کنند. همچنین کارکنان مدارس تصمیماتی در مورد اموری نظیر انتخاب کتاب‌های درسی، انتخاب فعالیت‌های یادگیری و مواد آموزشی تکمیلی مورد استفاده، اتخاذ می‌کنند و ماهیت برنامه‌های دیگری که باید به مدارس ارائه شوند را تعیین می‌کنند (مورفی و بک، ۱۳۸۲) ترقی‌های هر جامعه در گرو نوع و چگونگی فعالیتی است که در مدارس انجام می‌گیرد» (مهرمحمدی، ۱۳۹۱، ۴).

مهرمحمدی (۱۳۹۱) برای آزاد سازی تصمیم‌گیری درباره‌ی برنامه های درسی از سیطره‌ی نهاد مرکزی و فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت بخش ها یا نهادهای دیگر در این زمینه، شش وضعیت ممکن را برای تمرکز زدایی از نظام برنامه ریزی درسی ارائه داده است:

۱. آزاد سازی نامحسوس در حد صفر

۲. آزاد سازی تولید منابع یادگیری (کتاب درسی)